چگونه محبت اهل بیت(ع) را در دل نوجوان نهادینه کرد؟

آنچه از قرآن و کتب روایی و همچنین کلام ائمه معصومین ع بدست می آید این است که هر شخصی از طریق راههای متعددی میتواند محبت اهل بیت ع را در دل خود و فرزندان خود ایجاد کرده و آنرا برای همیشه حفظ نماید:

1- دوران پیش از کودکی

این مرحله، به مراقبتها و رفتارهای والدین در دوران شیرخوارگی و نوزادی فرزندان مربوط می‌شود.

امّا… اینک ماییم و کودکان و نوجوانان جامعه و ضرورت و اهمیّت تربیتِ ولایی و دینی آنان.

در اینکه چگونه می‌توان جوانان و نوجوانان را «مُحبّ آل محمد» و دوستدار اهل‌بیت(ع) بارآورد، راههای مختلفی وجود دارد. برخی از این راهها جنبه ذهنی و تئوری دارد، یعنی طرح موضوعات و مباحثی که نتیجه آن ایجاد کشش و جذبه نسبت به خاندان پیامبر است. عمدتاً بیان فضایل و مناقب و مقامات و شرح حال و سیره اولیاء الهی، حتّی ذکر شمایل و اوصاف ظاهری آنان، از این بخش است. بعضی حتی از راه

تصاویر و عکسهای منسوب به پیامبر و امامان، به آنان علاقه پیدا می‌کنند و تصویر، گذرگاه و معبری برای ورود به دنیای زیبا و دوست‌داشتنیِ اولیای دین می‌شود. برخی هم جنبه عملی و کاربردی است، یعنی اجرای برنامه‌ها یا توجّه به نکات اجرایی و کاربردی که نتیجه آن جای گرفتنِ محبّت اهل‌بیت(ع) در دل کودکان و جوانان است و این کار، عمدتاً از سوی پدران و مادران، اولیاء و مربّیان، برنامه‌سازان، مسؤولان فرهنگی و تربیتی کشور و چهره‌های مورد توجّه و علاقه نسل نوجوان در جامعه است.
اینک برخی از این راهها و شیوه‌ها برشمرده می‌شود:

2- پیوند با آب فرات و خاک کربلا

استفاده از نمادها و سمبلهایی که به نوعی ارتباط با اهل بیت دارد، این رابطه را تقویت می‌سازد. «عاشورا» برجسته‌ترین مظهر خطّ ولایت نسبت به این خاندان است.
«شهادت» و «عطش» نیز دو جلوه مهمّ عاشوراست.
«آب فرات» یادآور تشنگی امام و اهل بیت او و وِفای عباس(ع) است و «تربت» سیدالشهدا، خاک آمیخته به خون «ثارالله» است و این دو، فرهنگ عاشورا و حب اهل بیت را با خود دارند.
در تعالیم شیعه، از سنتهای مؤکّد مذهبی، برداشتن کام نوزاد هنگام تولّد، با تربت سیدالشهدا و آب فرات است یعنی اندکی از این یا آن، به کام نوزاد مالیدن، یا در دهان او چکاندن.
این کار، هم پیوند دادن نوزادان از همان بدو تولد با این خاندان و عاشوراست، هم نشانِ عشق والدین به ایجاد این رابطه است، هم تأثیر طبیعی این «آب و خاک» در سرشت و طینت و خلق و خوی فرزندان است. همچنان که طبق احادیث بسیار، خداوند در تربت سیدالشهدا «شفا» و خاصیت درمانی قرار داده است،(4) اثر ایجاد محبّت و امنیّت هم در این تربت و آن آب نهاده است. پس، از راههای عملی، یکی هم عمل به این سنت دینی است. اثر ایجاد محبت در روایات مربوط به آن هم بیان شده است. امام صادق(ع) فرمود:
«حَنّکوا اولادَکم بماء الفراتِ».(5)
کام نوزادان خود را با آب فرات بردارید.
امام صادق(ع) به سلیمان بن هارون بجلّی فرمود:
«ما اَظُنُّ احداً یُحَنِّکُ بماء الفراتِ الاّ احبّنا اهلَ البیت».(6)
گمان نمی‌کنم که کسی با آب فرات، کام نوزاد را بردارد مگر آنکه ما خاندان را دوست بدارد.

آن حضرت، فرات را نهری بهشتی می‌داند که به خدا ایمان آورده است و روزی یک قطره از بهشت در آن می‌چکد. و نیز فرمود:
«مَن شَرِبَ مِن ماء الفراتِ وَحنّکَ به فهو محبّنا اَهْلَ البیت».(7)
هر کس از آب فرات بنوشد، یا کام کودک را با آن بردارد، یقیناً دوستدار ما خاندان خواهد بود.
علی(ع) فرمود:
«اِنّ اهلَ الکوفةِ لَوْ حَنّکوا اولادَهم بماء الفراتِ لکانوا شیعةً لنا».(8)
اگر کوفیان، اولاد خودرا باآب‌فرات، کام برداشته بودند، شیعه ما می‌شدند.
امام صادق(ع) فرمود:
«ما احدٌ یَشربُ من ماء الفراتِ وَ یُحنّکُ به اذا اولَدَ الاّ اَحبّنا، لأِنّ الفراتَ نهرٌ مؤمِنٌ».(9)
هیچ کسی نیست که از آب فرات بنوشد، یا وقتی فرزند آورد، کام او را با آب فرات بردارد، مگر آنکه دوستدار ما شود، چرا که فرات، نهری مؤمن‌است.
آن حضرت، در مورد کام برداشتن نوزادان با تربت سیدالشهدا هنگام تولّد، چنین دستور داده است:
«حَنّکوا اولادَکم بِتُربةِ الحسینِ، فانّها اَمانٌ».(10)
فرزندان خود را با تربت حسین(ع) کام برگیرید، چرا که مایه ایمنی است.
البته در روایات، تأکید شده است که این بهره‌گیری درمانی از تربت، وقتی است که انسان به این نکته باور داشته باشد که خداوند در تربت آن حضرت، این نفع و خیر را قرار داده است.(11)
سنّتِ آمیختن آب یا شربت به تربت سیدالشهدا و نوشیدن و نوشاندن آن به دیگران جهت درمان، زمان ائمّه هم رواج داشته است.(12)
امروز نیز میان معتقدان و شیفتگان این مکتب، رایج است.(13)

3- استفاده از علاقه به محبوبیّت

هر کس دوست دارد مورد علاقه و محبّت دیگران باشد و مورد توجّه قرار گیرد. در جذب افراد، اظهار علاقه خیلی مؤثر است، بخصوص آن طرفی که انسان مورد علاقه او باشد اگر شخصیّتی معروف، مهم و معتبر باشد، مورد رغبت بیشتری است. تا چه رسد به اینکه آن طرف، خدا و حضرت رسول(ص) و ائمّه اطهار(ع) باشند. باید چنین القا کرد که رشته محبت و علقه ولایی با اهل‌بیت(ع) موجب می‌شود انسان محبوب

خدا و رسول خدا (ص) گردد و چه موهبتی بالاتر از این؟ طرح این مسأله که ائمّه(ع) دوستدارانشان را دوست دارند، ایجاد محبّت می‌کند. روایت در این زمینه بسیار است، از جمله این حدیث:
کسی به محضر امام علی(ع) رسید و گفت: السلام علیکَ یا امیرالمؤمنین و رحمةاللّه و برکاته، کیفَ اصبَحْتَ؟ سلام (و رحمت و برکات خدا) بر تو ای امیر مؤمنان. چگونه صبح کردی و چگونه‌ای؟
حضرت سر بلند کرد و پاسخ سلامش را گفت و فرمود:
«اصبحتُ مُحِبّاً لِمُحِبّنا و مُبغِضاً لِمَن یُبغِضُنا»(14)
صبح کردم، در حالی که دوستدارِ دوستدارمان هستم و دشمن کسی که با ما دشمنی دارد.
طرح مسأله حبّ متقابل و رضایت طرفینی میان خدا و بنده یا پیامبر(ص) و امّت، کارساز است. قرآن هم نمونه‌هایی دارد، همچون: «2م و رَضُواعنه»،(15) «فَسوفَ یأتی اللّهُ بقومٍ یُحِبّهم و یُحِبّونه».(16) که در مورد اهل ایمان و عمل صالح و متعهدان به دین و ثابت قدمان در راه خداست.
با طرح این‌که خدا چه کسانی را دوست می‌دارد؟ و پاسخ این که محبّان اهل بیت را، و نتیجه‌گیری این که پس محبوب خدا شدن هم در سایه مودّت اهل‌بیت است، علاقه‌ها را به این خاندان می‌افزاید.
هم دوست داشتن برگزیدگانِ افتخار است، هم محبوب آنان بودن ارزش است. در زیارت «امین‌اللّه»، در حرمهای ائمه معصومین از خداوند چنین درخواست می‌کنیم:
خدایا! دل و جان مرا شیفته اولیای برگزیده‌ات قرار بده و مرا در زمین و آسمانت محبوب گردان:
«مُحِبّةً لِصَفْوَةِ اولیاءک، مَحبوبةً فی أَرضِک و سماءک».(17)
دوستی با اهل‌بیت(ع) انسان را با این خانواده همخون و همدل می‌سازد و عضو این خانواده الهی می‌گرداند. همچنان که سلمان فارسی را رسول خدا(ص) از این دودمان دانست و فرمود: «سلمانُ مِنّا اهلَ البیت»(18) «سلمان از ما خاندان است».
چنین تعبیری را پیامبر اکرم(ص) درباره ابوذر غفاری هم فرموده است و امام صادق(ع) نیز درباره فُضیل بن یسار(19) و یونس بن یعقوب‌(20) فرموده است که اینان از ما خاندان هستند.
این موهبت بزرگی است که انسان از خاندان پیامبر محسوب شود. محبّت اهل‌بیت، چیزی است که این امتیاز را برای دوستدار می‌آورد. به این دو حدیث توجه کنید (که یکی محبّت و دیگری تقوا و عمل صالح را زمینه‌ساز عضویت در مجموعه اهل‌بیت می‌داند):
امام باقر(ع): «مَنْ اَحَبّنا فهو مِنّا اَهل البیتِ»(21) «هر

که ما را دوست بدارد از ما خاندان است».
امام صادق(ع): «مَن اتّقی مِنکم وَ اَصْلَحَ فهو منّا اهلَ البیت».(22) «هر کس از شما که تقوا پیشه کند و در پی صلاح و اصلاح باشد، او از ما اهل بیت است».
توجّه به این نکته مهمّ است که محبّت به تنهایی، بدون تقوا و صلاح و اصلاح، چندان کارساز نیست و محبّت واقعی به همان همسویی می کشد.

4-توجه به عنایت اهل بیت به شیعه

پیروان و دوستداران اهل بیت(ع)، مورد عنایت و توجّه و تقدیر خاندان پیامبرند. توجه داشتن و توجه دادن به این عنایت و محبت و تکریم، محبت آنان را در دلها ایجاد می کند یا می افزاید. اهل بیت، هوادارانشان را دوست دارند، آنان را می شناسند، آنان را شاخ و برگ درختی می دانند که به خودشان مربوط می شود، در دنیا گرفتاری ها یشان را حل می کنند، در آخرت از آنان شفاعت می کنند و محبّان خویش را از یاد نمی برند.
در این زمینه احادیث فراوانی است که به چند نمونه اشاره می شود:
1 – حُذیفة بن اُسَید غفاری گوید: امام حسن مجتبی(ع) وقتی با معاویه صلح کرد و به مدینه برمی گشت همراهش بودم. پیش او یک بار شتر بود که همواره همراه آن بود و جدا نمی شد. روزی گفتم: این بار چیست که از تو جدا نمی شود؟
فرمود: می دانی چیست؟ گفتم: نه. فرمود: «دیوان» است. گفتم: دیوان و دفترِ چیست؟ فرمود: دفتر شیعیان ماست، نامهایشان در آن است: «دیوانُ شیعتِنا فیه اَسماؤهُم».(23)
2 – امام صادق(ع) به ابوبصیر فرمود:
«… وَ عَرفْنا شیعتنا کَعِرفانِ الرّجُلِ اهلَ بیته».(24)
ما شیعیان خود را می شناسیم، همانگونه که یک فرد، خانواده خود را می شناسد.
3 – امام سجاد(ع) فرمود: ما هر کس را ببینیم، می شناسیم که مؤمن حقیقی است یا منافق. شیعیان ما ثبت شده اند و نامهایشان و نامهای پدرانشان معروف است، خدا از ما و از آنان پیمان گرفته است، هر جا که ما وارد شویم آنان نیز وارد می شوند:
«اِنّ شیعتَنا لمکتوبُونَ مَعْرُوفون بِأسمائِهِم و اسماء آبائهم، اَخَذَ اللّه المیثاقَ علینا و عَلَیهم، یَرِدونَ مَوارِدَنا وَ یَدخُلون مَداخِلَنا».(25)
4 – امام کاظم(ع) در مورد آیه «وَمِمَّنْ هَدَیْنا وَ اجْتَبَیْنا»(26) فرمود:

«فَهُم وَاللّهِ شیعَتُنا الّذین هَداهُمُ اللّهُ لِمَوَدّتِنا وَاجْتَباهُمْ لِدینِنا…».(27)
به خدا قسم آنانند شیعیان ما، آنان که خداوند بر مودّت و دوستی ما هدایتشان کرده و برای آیین ما آنان را برگزیده است.
این که انسان توفیق مودّت و پیروی این خاندان را داشته باشد، توفیق ارزشمندی است که نصیب همه نمی‌شود و بر این نعمت معنوی باید خداوند را سپاس گفت. عنایت دیگر ائمه، در مورد حساب و شفاعت شیعه جلوه‌گر است که در حدیث بعد آمده است.
5 – امام صادق(ع) در ذیل آیه «اِنّ اِلَینا اِیابَهُم ثُمّ اِنّ عَلینا حِسابَهُم»(28) فرمود:
«اِذا کانَ یَومَ القِیامَةِ جَعَلَ اللّهُ حسابَ شیعَتِنا عَلَینا…».(29)
چون روز قیامت فرا رسد، خداوند حسابرسی شیعیان ما را برعهده ما می‌گذارد.
و در حدیث دیگری از آن حضرت است:
«نَشْفَعُ لِشیعَتِنا فَلا یَرُدُّنا رَبُّنا».(30)
ما برای شیعیان خود شفاعت می‌کنیم، خداوند هم شفاعت ما را ردّ نمی‌کند.
6 – امام صادق(ع) فرمود:
«اَیْنَما نَکُونُ فَشیعتُنا مَعَنا».(31)
ما هر جا که باشیم، پیروان ما با مایند.
حتی در ورود به بهشت نیز این همراهی وجود دارد، علی(ع) فرموده است: از هشت درِ بهشت، پنج در است که شیعیان و دوستداران ما اهل بیت از آن وارد می‌شوند:
«… و خمسةُ ابوابٍ یَدخُلُ مِنها شیعتُنا وَ مُحبّونا».(32)
7 – امام صادق(ع) در مسجد، گروهی از شیعیان را دید، به آنان نزدیک شد و سلامشان داد و فرمود: به خدا قسم من بوی شما و روح شما را دوست دارم، ما را با تقوا و تلاش، یاری کنید. شما یاران دین خدایید، شما پیشتازان به سوی بهشتید، ما بهشت را برای شما تضمین کرده‌ایم، هر چیزی شرفی دارد، شرافتِ دین، شیعه است. هر چیزی ستونی دارد، ستون دین، شیعه است. هر چیزی سروَری دارد، و بهترین مجالس و سرور آنها، مجالس شیعه است:
«وَاللّهِ اِنی لاَ اُحِبُّ ریحَکُم وَ ارواحَکم… اَنتمُ السّابِقونَ الی الجنّة، قد ضَمِنّا لکم الجنانَ بِضَمانِ اللّهِ وَ رَسُولِه… اَلا وَ اِنّ لِکُلِّ شَیءٍ شَرَفاً وَ شرفُ الدینِ الشیعةُ، اَلا اِنّ لِکُلِّ شئٍ عِماداً وَ عِمادُ الدّینِ الشیعةُ، اَلا و انّ لکُل شئٍ سَیّداً وَ سیّدُ المجالسِ

مجالسُ شیعَتِنا».(33)
8 – امام باقر(ع) درباره «شجره طیّبه» که در قرآن است، فرمود: آن درخت، حضرت رسول(ص) است، تنه آن، علی(ع) است، شاخه‌اش فاطمه(س) است، میوه‌هایش فرزندان فاطمه زهرایند و شیعه، برگهای آن درخت‌اند (وَ اوراقُها شیعتُنا) هرگاه یکی از شیعیان ما از دنیا برود، برگی از آن درخت افتاده و هرگاه نوزادی برای شیعه به دنیا آید، به جای آن برگ، برگی می‌روید.(34)
9 – امیرالمؤمنین(ع) فرمود:
«اِنَّ اللّه تعالی اِطَّلَعَ اِلَی الأرضِ فاختارَنا وَاختار لنا شیعةً یَنصرونَنا و یَفْرَحُونَ بِفَرَحِنا وَ یَحزَنُون لِحُزْنِنا وَ یَبْذِلُونَ اَنْفُسَهم وَ اموالَهُم فینا، فاولئک مِنّا وَ اِلَینا وَهُم مَعَنا فِی الجِنَان».(35)
خداوند بر زمین اشراف و عنایت و نگاه کرد پس ما را برگزید و برای ما پیروانی برگزید که ما را یاری می‌کنند، با شادی ما شاد می‌شوند، بر اندوه ما اندوهگین می‌شوند و جانها و مالهایشان را در راه ما خرج می‌کنند، پس آنان از ما و به سوی مایند و آنان در بهشت با ما خواهند بود.
این نیز عنایت خدا و اهل بیت به پیروان این خاندان و برگزیدگی و منتخب بودن صاحبان این محبت و ولایت را می‌رساند. این عنایات خاص، موجب ازدیاد محبت انسان به این خاندان جود و کرم می‌شود و دلبستگی و دلدادگی می‌آورد.
درباره جایگاه و منزلت شیعه نزد ائمّه اطهار و توجه خاصّی که به موالیان خود دارند و مقامی که خدا برای سیراب‌شدگان از چشمه محبت و ولای آل اللّه قرار داده، آن قدر حدیث است که از شمار بیرون است. نقل آنها کتابی قطور خواهد شد. امّا برای آشنایی با مضامین گوشه‌ای از این احادیث، عنوانِ بعضی از این فضیلتها و ویژگیها را می‌آوریم:(36)
شیعیان علی(ع) در قیامت سیراب، و رستگار و کامیابند. شیطان بر پیروان علی(ع) سلطه ندارد. شیعیان علی شیعه خدایند، شیعیان علی، آمرزیده‌اند، در قیامت به دست علی(ع) از کوثر سیراب می‌شوند، پیروان او در دنیا و آخرت منصورند و برگه عبور از آتش می‌گیرند و ایمن‌اند، اگر شیعه نبود، دین خدا استوار نمی‌شد، آنان بهترین بندگان و بر صراط حقّ‌اند و دین اهل بیت را گرفته‌اند، شیعیان ما به خدا و به عرش خدا و به ما نزدیکتر از دیگرانند، پیروان ما گواه و شاهد بر مردم دیگرند، ما و شیعه ما «اصحاب الیمین» هستیم، شیعیان ما هدایت یافته، صابر، گرانقدر، صادق و رها از سلطه و نفوذ شیطانند، پیروان ما هنگام رستاخیز، با چهره‌های نورانی از

قبرها برانگیخته می‌شوند و سواره به محشر می‌آیند، با نور خدایی می‌نگرند، از سرشت ما آفریده شده‌اند، هم ما برگزیده‌ایم هم شیعیان ما، آنان از شعاع نور ما خلق شده‌اند. خداوند در دنیا شیعه ما را از گناهانشان پاک می‌کند، خداوند از شیعیان ما میثاق ولایت گرفته است، ما گواه بر شیعیانیم و شیعیان شاهد بر دیگرانند، شیعیان ما می‌توانند نسبت به خانواده خود هم شفاعت کنند، شهید شیعه بر شهدای دیگر برتری دارد، پیروان با ایمان ما با پیامبر خویشاوندند و… صدها کرامت و فضیلتِ ارجمند.
البته این اوصاف و فضایل و جایگاه والا، به همان اندازه که قیمتی و محبّت‌آور و دوست داشتنی است، مسؤولیت و تعهّد و مراقبت و دینداری بیشتری می‌طلبد، تا انسان شایسته این همه مقام و رتبه شود (به نکایات پایانی این جزوه دقت کنید).

5-بیان فضیلت حبّ آل پیامبر(ص(

فعّال ساختن کانال تبلیغ محبّت اهل بیت(ع)، در جذب دیگران اثر دارد. گفتن و مطرح کردن خوبیهای آنان مؤثّر است. به عنوان یک دستور کار، باید فضیلت، آثار و برکات محبّت اهل بیت(ع) را بصورت پیوسته طرح کرد. به هر حال در عدّه‌ای اثر می‌گذارد و مردم به دنبال یک موج تبلیغاتی در رسانه‌ها یا مراکز فرهنگی، به سمت و سویی گرایش می‌یابند. در این باره احادیث فراوان است. به عنوان نمونه: پیامبر اکرم(ص) فرمود:
اَلا وَ مَنْ ماتَ عَلی حُبّ آلِ محمّدٍ ماتَ شهیداً،
اَلا و من مات علی حبّ آل‌محمّدٍ ماتَ مغفوراً له،
اَلا و من مات علی حبّ آل‌محمّدٍ ماتَ مؤمناً مُستکمِلَ الأیمان،
اَلا و من مات علی حبّ آل‌محمّدٍ بَشَّرَهُ ملکُ الموتِ بالجَنّة،
اَلا و من مات علی حبّ آل‌محمّدٍ فُتِحَ له فی قبره بابان اِلَی الجنّة،
اَلا و من مات علی حبّ آل محمّدٍ جَعلَ اللّهُ قبرَهُ مَزارَ ملائکةِ الرّحمة…(37)
هر کس با محبّت آل محمد بمیرد، شهید مرده است، آمرزیده می‌شود، با توبه می‌میرد، با ایمان کامل می‌میرد، فرشته مرگ او را به بهشت مژده می‌دهد، در قبرش دو در به روی بهشت گشوده می‌شود، قبر او زیارتگاه فرشتگان رحمت الهی می‌شود.
چنین روایاتی فراوان است. ذکر اینها دلها را تکان می‌دهد و شیفته اهل‌بیت(ع) می‌سازد. از جمله نکاتی که در فضیلت این محبت در روایات فراوان آمده است اینهاست:

– حبّ اهل بیت، اساس دین و نظام دین است.(38)
– حبّ اهل بیت، حبّ خداست.(39) به قول مولوی:

این محبّت از محبّتها جداست

حبّ محبوب خدا، حبّ خداست

– حبّ اهل بیت، حب رسول خداست.(40)
– حبّ اهل بیت، هدیه الهی است.(41)
– حب اهل بیت، برترین عبادت است.(42)
– حبّ اهل بیت، باقیات الصالحات است.(43)
پس وقتی حب اهل بیت(ع) این همه فضیلت دارد، باید ظرف دل را از محبّت آنان پر کرد و عشقها و علاقه‌ها را نثار آنان نمود که شایسته‌ترین افراد برای دوست داشتن و عشق ورزیدن‌اند و ارزش دل به عنوانِ یک ظرف، بستگی به محتوای محبّتی دارد که در آن است. قیمت انسان، به عشقی است که در ظرفِ دلش جای می‌گیرد. هر چه آن معشوق و محبوب، ارزشمندتر و نفیس‌تر باشد، انسان هم قیمتی‌تر و پربهاتر می‌شود.
رسول خدا(ص) فرمود: ای مردم! پیوسته مودّت ما خاندان را داشته باشید و از آن جدا نشوید، هر کس خدا را در حالی ملاقات کند که مودّت ما را داشته باشد، با شفاعت ما وارد بهشت می‌شود.(44)

6- طرح نیازمندی و بهره‌مندی از این محبّت

انسان معمولاً مجذوب کسی یا جایی می‌شود که گره از کار او بگشاید و بهره برساند. در رابطه‌های اجتماعی افراد، به وضوح این مسأله دیده می‌شود. در زندگی ممتد و مستمرّ ما که تا آخرت ادامه می‌یابد، کجاها گیر می‌کنیم و نیاز به کمک داریم؟ هنگام مرگ، در برزخ، در رستاخیز، هنگام عبور از صراط و… که بشدّت نیازمند و گرفتاریم، به کارسازی محبّت اهل‌بیت(ع) آگاه می‌شویم. در این زمینه هم حدیث بسیار است از جمله این چند حدیث مشهور رسول خدا(ص):
1 – «حُبّی و حُبّ اهلِ بیتی نافعٌ فی سَبعةِ مَواطِنَ اَهوالُهُنّ عظیمةٌ: عندَ الوفاةِ و فی القبر و عندَ النّشورِ و عندَ الکتابِ و عندَ الحسابِ و عندَ المیزانِ و عند الصّراط».(45)
حبّ من و محبت اهل بیت من در هفت جا سود می‌بخشد، هفت جایی که هول و هراس آنها عظیم است: هنگام مرگ، در قبر، هنگام برخاستن از

قبر، هنگام تحویل نامه اعمال، هنگام حساب و بررسی اعمال، هنگام سنجش عملها و هنگام عبور از صراط.

2 – «سَأل رَجُلٌ رسولَ اللّهِ عَنِ السّاعة، فقال: ما اَعْدَدْتَ لها؟ قال: ما اعدَدْتُ لها کبیراً، اِلاّ انّی اُحِبّ اللّهَ و رسولَه. قال: فَاَنْتَ مَعَ مَنْ اَحْبَبْتَ (المرءُ مَعَ مَن اَحَبّ) قال انسٌ: فما رأیتُ المسلمینَ فَرِحُوا بعدَ الأسلام بِشیءٍ اَشَدّ مِن فَرَحِهِم بِهذا».(46)

مردی از پیامبر پرسید که قیامت کی است و چگونه است؟ حضرت پرسید: برای قیامت چه آماده کرده‌ای؟ گفت: چیز مهمّی آماده نکرده‌ام، جز اینکه خدا و پیامبرش را دوست دارم. حضرت فرمود: تو با کسی هستی که دوست می‌داری (انسان با کسی محشور می‌شود که دوستش دارد). انس گوید: من ندیدم که مسلمانان، پس از اسلام به چیزی بیش از این سخن خوشحال شوند.

3 – علی(ع): «مَن اَحَبّنا کانَ مَعَنا یومَ القیامة، ولو اَنّ رَجُلا اَحَبّ حَجَراً لَحَشَرَهُ اللّهُ مَعَهُ».(47)

هر کس ما را دوست بدارد، در روز قیامت با ما خواهد بود، اگر کسی یک سنگ را دوست بدارد، خداوند او را با آن سنگ محشور می‌سازد.

این مژده بزرگی است که علاقه‌مند به اهل‌بیت(ع) بداند که در آخرت هم با آنان محشور خواهد بود. وقتی محبّت تا این اندازه کارساز است، چرا این گنج را نداشته باشیم؟

امام صادق(ع) می‌فرماید: دم مرگ، وقتی که جانتان به گلوگاه می‌رسد، بیشترین نیاز را به محبّت ما دارید. اگر حبّ ما در دلتان بود، فرشته مژده‌رسان می‌آید و می‌گوید: هراسی نداشته باش، که ایمن شدی.(48)

آثار محبت اهل بیت(ع) در روایات، بسیار فراوان ذکر شده است، جمع‌بندی این آثار و منافع، بخصوص برای مرحله آخرت، در این عنوانها می‌گنجد:(49)

- موجب از بین رفتن گناهان می‌شود.(50)
- دل را پاک می‌سازد.(51)
- در دل، حکمت جاری می‌سازد.(52)
- کمال دین است.(53)
- موجب برخورداری از شفاعت است.(54)
- نور در قیامت است.(55)
- ایمنی در قیامت است.(56)
- موجب ثبات در صراط است.(57)
- از آتش دوزخ نجات می‌دهد.(58)
- موجب محشور شدن با اهل بیت است.(59)

– انسان را بهشتی می‌سازد.(60)
– موجب خیر دنیا و آخرت و نجات از عذاب قبر است.(61)
حضرت رسول(ص) فرمود: خداوند به هر کس محبت امامان از اهل‌بیت مرا روزی کند به خیر دنیا و آخرت رسیده و بی‌شک اهل بهشت است و در حبّ اهل‌بیت من بیست خصلت و فایده است، ده تا در دنیا و ده تا در آخرت.(62)
توجّه به آثار و برکات این محبّت، سبب شیفتگی انسان به اهل بیت(ع) می‌شود و این گوهر گرانبها را در نظر افراد، ارزشمند می‌سازد. نمونه‌های متعدّدی نقل شده از کسانی که به خواب زندگان آمده‌اند و چون از اوضاع و احوال پس از مرگ از آنها سؤال شده، در پاسخ گفته‌اند: بازار عمل خیلی کساد است، آنچه ما را نجات داد، محبّت خاندان پیامبر بود. این نیز بخشی از نیازمندی ما را به محبّت و کارساز بودن مودّت اهل‌بیت نشان می‌دهد.

7- ارزش جلوه دادن محبّت اهل بیت(ع)

وقتی کاری مورد تقدیر و تشویق قرار می‌گیرد و به عنوان «الگو» مطرح می‌شود، در دیگران هم جذبه و کشش ایجاد می‌کند. ارزشگذاران جامعه، مسؤولان فرهنگی هنری، برگزارکنندگان مسابقات، جایزه‌دهندگان، اینها همه در ارزش به شمار آمدن این محبّت نقش دارند. وقتی کسی به خاطر شعر گفتن یا قصّه نوشتن یا کتاب خواندن در مورد ائمّه(ع) تشویق شود، هم محبّت پیدا می‌کند و هم به خاطر این پیوند، احساس عزّت و سربلندی دارد. چون می‌داند که این کیف و چادر و کتاب و جایزه را به خاطرِ این موضوع جایزه گرفته است و از آن قضیّه، خاطره شیرینی به یادش می‌ماند که در پدید آوردن این جذبه، مؤثر است.
افراد نسبت به هر چه مورد تشویق و احترام قرار می‌گیرند، از جمله گرایشهای مذهبی و علاقه به اهل‌بیت، به آنها علاقه بیشتری پیدا می‌کنند و اگر بی‌توجهی و برخورد سرد ببینند، دلسرد و زده می‌شوند. در این زمینه، بخصوص تشویق در حضور دیگران مؤثرتر است. البته باید دقت کرد که تشویق، حالت «رشوه» پیدا نکند.
در جامعه به هر چه بها داده شود، هم نسبت به آن گرایش پیدا می‌شود و هم طرفداران، با غرور و افتخار آن را مطرح می‌کنند. مثلاً وقتی از جوانها می‌پرسند: درباره چه چیزی شعر می‌گویید، اغلب می‌گویند: عشق، بهار، دوستی، زندگی، گل و بلبل و… وقتی از نوجوانان و جوانان پرسیده می‌شود: چه کتابهایی می‌خوانید، می‌گویند: رمان، کتابهای علمی، داستانهای تخیّلی و…

گویا سختشان است بگویند که درباره خدا و نماز و ائمّه(ع) شعر می‌گوییم یا کتابهای مربوط به اهل‌بیت(ع) و کتب دینی می‌خوانیم. چون از این جهت مورد تشویق قرار نمی‌گیرند و با نام اینها آب دهانشان راه نمی‌افتد و احساس غرور شخصیت و بالیدن و فخر فروختن نمی‌کنند.
باید شرایطی پیش آورد که اگر کسی درباره اهل بیت(ع)، شعر گفت، شعر حفظ کرد، حدیث حفظ کرد، کتاب خواند، قصّه نوشت، فیلم ساخت، تابلوی هنری کشید، یا حتی نام ائمّه(ع) را داشت یا نام اهل‌بیت(ع)را روی فرزند خود گذاشت، احساس افتخار و سربلندی کند و این را ارزش احساس کند و ارزنده تلقّی کند. حبّ اهل‌بیت، لطف و موهبت ویژه الهی است که در دلهای شایسته جای می‌گیرد. به فرموده حضرت رضا(ع):
«یَهدِی اللّهُ لِولایتنا مَنْ اَحَبّ».(63)
خدا هر که را دوست بدارد، به ولایت ما راهنمایی می‌کند.
به قول شهریار:

چه شاعران که هم اهل صفا و مردِ رهند

ولی «مقام ولایت» به هرکسی ندهند

معمولاً اشخاصی که به خاطر مثلاً نام علی، مهدی، فاطمه، حسین و… در مناسبتهای ویژه امامان، جایزه می‌گیرند، نسبت به این نام‌ها و صاحبان آنها علاقه پیدا می‌کنند و دیگران هم آروز می‌کنند که کاش چنین نامهایی داشتند و به مواهب و هدایایی نایل می‌شدند. به این نکته باید چنان ظریف عمل شود که شوقِ داشتن چنین نامهایی در دل ایجاد شود، نه آنکه به خاطر نداشتن این اسامی، عقده و بدبینی و احساس حقارت پدید آید و اثر منفی به بار آورد. این محبت باید چنان نفیس و قیمتی معرفی شود که دارنده آن، به داشتنش افتخار کند و آن را کوچک نشمارد. توصیه امام صادق(ع) است که: مودّت و دوستی ما را کوچک نشمارید، چرا که از باقیات صالحات است.(64)

مهر تو را به عالم امکان نمی‌دهم

این گنج، پربهاست، من ارزان نمی‌دهم

وقتی از رسانه‌ها، تلویزیون، مسابقات و گزارشها، «الگو» معرفی می‌شود، تأثیرگذار است و همان الگوی مطرح شده، محبوب دلها می‌شود، خواه یک فوتبالیست باشد، یا آوازخوان، یا حافظ قرآن، یا مخترع، یا نقاش و شاعر و هرکس در هر زمینه و موردی مورد تشویق و

تکریم قرار گیرد، همان «جهت»، مورد توجّه مخاطبان اینگونه برنامه‌ها واقع می‌شود. تشویق یک هنرپیشه، گرایش به هنر را افزایش می‌دهد، تشویق یک حافظ قرآن، علاقه به قرآن و قرائت و حفظ، پدید می‌آورد و بزرگداشت یک دانش‌آموز موفق در المپیادهای علمی، گرایش علمی جوانان را بالا می‌برد.
چهره‌ها، شعرها، شاعران و شخصیتهای علمی، ادبی و هنری که حتّی در کتب درسی کودکان و نوجوانان مطرح می‌شود، محبّت و علاقه می‌آفرینند. از این رو در گزینش اینگونه چهره‌ها نیز باید دقت کرد، چون معرفی یک شاعر ولایی و انقلابی، نوعی الگو دادن است و گرایشهای مذهبی و اهل‌بیتی می‌آورد.
امام صادق(ع) فرمود:
«یا مَعشرَ الشیعة! … عَلِّموا اَولادَکُم شِعْرَ العَبدی‌ فَاِنَّهُ عَلی‌ دینِ‌اللّه».(65)
ای گروه شیعه! به فرزندانتان شعر «عبدی» را بیاموزید، چرا که او بر دین خداست.
این توصیه امام صادق(ع) که شیعیان شعر عبدی کوفی‌(66) را به بچه‌هایشان یاد بدهند، بزرگترین تشویق و الگودهی است. شعر عبدی، از فضیلتهای اهل بیت(ع)، موج می‌زد. «سید حِمْیَری» که از شاعران متعهّد شیعه است می‌گفت: هر کس حدیثی بگوید از فضایل علی(ع) و اهل بیت(ع) که من آن را در شعرم نگفته‌ام، این اسبم را به او می‌بخشم!
ابوطالب، پدر حضرت علی(ع) از موحدان و مؤمنان به پیامبر اکرم بود و در وصف او اشعاری سروده است. نقل است که حضرت علی(ع) دوست می‌داشت که شعرهای ابوطالب نقل و تدوین گردد و فرمود: آنها را یاد بگیرید و به فرزندانتان هم بیاموزید، چرا که ابوطالب، بر دین خدا بود و در شعر او دانش بسیاری است:
«کانَ امیرُالمؤمنین(ع) یُعجِبُه اَن یُروی‌ شعرُ ابی‌طالبٍ وَانْ یُدَوِّنَ وقال: تَعَلَّموهُ وَعَلِّموه اولادَکُم، فانّه کانَ علی‌ دینِ‌اللّه وفیه علمٌ کثیرٌ».(67)
این نیز نمونه دیگری در الگودهی فرهنگی و ادبی و توجه به محتوا و درونمایه مثبت و سازنده شعر و شاعر است که در انتقال به فرزندان باید مورد توجّه قرار گیرد.
دختر ابو الأسود دوئلی وقتی فهمید که خلیفه، عسل را فرستاده تا محبت اهل بیت(ع) را از دل آنها بیرون کند، آنچه را خورده بود، پس آورد، و نخواست با خوردن عسل، مِهر آل علی را از دست بدهد.(68)
معلّمان در این مسائل خیلی می‌توانند خط دهی داشته باشند و به گرایشها و الگوگیریهای نوجوانان جهت بدهند. حتی اگر یک دختر و

پسرِ غیر متعهّد، به خاطر اینکه اسمشان مهدی یا زینب و فاطمه است جایزه بگیرند، همین تأثیر ضمنی در ایجاد محبّت می‌کند. اگر اهدای جوایز، در سالروز مناسبتهای دینی و اهل‌بیتی انجام گیرد، بخصوص ولادتهای معصومین، در ایجاد زمینه‌های گرایش مؤثر است.
در احادیث شفاعت آمده است که روز قیامت، حضرت زهرا(س) شیعیان را شفاعت می‌کند. آنان که مورد شفاعت قرار گرفته‌اند، از خدا می‌خواهند که منزلت و قدرشان آن روز معلوم گردد. به آنان خطاب می‌شود: برگردید و بنگرید، هرکس به خاطر محبّت فاطمه(س) شما را دوست داشته، یا به شما طعام و لباس داده و آب نوشانده، یا از آبروی شما دفاع کرده، دست او را بگیرید و وارد بهشت سازید.(69) این نیز نشان دهنده ارزش این محبّت و اثربخشی آن در قیامت است.
برگرفته از کتاب راههای ایجاد محبت اهلبیت به قلم جواد محدثی

---

4 – وسائل الشیعه، ج 3، ص 411، بحارالانوار، ج 98، ص 118 .
5 – بحارالانوار، ج 97، ص 230 .
6 – بحارالانوار، ج 97، ص 228 – 230 .
7 – همان.
8 – همان، ج 63 ، ص 448 .
9 – همان، ج 101، ص 114 .
10 – وسائل الشیعه، ج 10، ص 410، بحارالانوار، ج 98، ص 124 و 136 .
11 – بحارالانوار، ج 98، ص 123 .
12 – همان، ص 121 .
13 – از جمله در برنامه‌های جنبی «شب شعر عاشورا» که همه ساله در شیراز برگزار می‌شود، مراسم «تربت نوشانی» به افراد جلسه است، شربت زعفران آمیخته به تربت را در کام همه حضار به مقدار یک قاشق یا نیم استکان می‌ریزند، این برنامه، نقش عجیبی در ایجاد عشق و علاقه به امام حسین(ع) و تغییر حالتِ روحی افراد دارد.
14 – سفینة البحار (چاپ جدید)، ج2، ص17.
15 – مائده: 119، توبه: 100، مجادله: 22، بیّنه: 8.
16 – مائده: 54.
17 – مفاتیح الجنان، ص 350 (زیارت امیرالمؤمنین، زیارت امین اللّه).
18 – مناقب ابن شهر آشوب، ج1، ص85.
19 – رجال کشی، ج2، ص473 و 381.
20 – همان، ص685.

21 – تفسیر عیّاشی، ج2، ص231.
22 – همان.
23 – بحارالانوار، ج 26، ص 124 .
24 – همان، ص 146 .
25 – همان، ج 23، ص 313 .
26 – مریم، آیه 58 .
27 – بحارالانوار، ج 26، ص 224 .
28 – غاشیه، آیه 26 .
29 – بحارالانوار، ج 7، ص 203 .
30 – همان، ج 8 ، ص 41 .
31 – همان.
32 – همان، ج 2، ص 206 .
33 – همان، ج 65 ، ص 43 .
34 – همان، ج 9، ص 112 .
35 – میزان الحکمه، ج 5، ص 233 .
36 – برای مطالعه متن این احادیث فراوان می‌توانید از «المعجم المفهرس» بحارالأنوار، واژه شیعه، بهره بگیرید.
37 – بحارالأنوار، ج23، ص232.
38 – پیامبر اکرم(ص): «اساس الاسلام حبّی و حبّ اهل بیتی»، (کنز العمّال، ج12، ص105).
امام باقر(ع): «حبّنا اهل البیت نظامُ الدّین»، (امالی شیخ طوسی، ص296).
39 – پیامبر اکرم(ص): «مَنْ احبّنا فقد احبّ اللّه و من ابغضنا فقد ابغض اللّه»، (امالی صدوق، ص386)؛ در زیارت جامعه کبیره نیز می‌خوانیم: من احبّکم فقد احبّ اللّه.
40 – پیامبر اکرم(ص): «… من احبّ هولاء فقد احبّنی و من ابغضهم فقد ابغضنی»، (تاریخ دمشق «ترجمة الامام الحسین»، ص91).
41 – امام باقر(ع): «انّی لأعلَم انّ هذا الحبّ الّذی تحبّونا لیسَ بشیء صَنعْتُموه ولکنّ اللّه صنعه»، (المحاسن، ج1، ص246).
42 – امام صادق(ع): «حبّنا اهل البیت افضلُ عبادة»، (المحاسن، ج1، ص247).
43 – امام صادق(ع): «لاتستصغروا مودّتنا، فانّها من الباقیات الصّالحات»، (مناقب ابن شهر آشوب، ج4، ص215).
44 – بحارالأنوار، ج27، ص193.
45 – میزان الحکمه، ج2، ص237.
46 – بحار الأنوار، ج17، ص13؛ میزان الحکمه، ج2، ص242.
47 – بحار الأنوار، ج 37، ص335.
48 – همان، ج6، ص 187.
49 – این آثار و عناوین برگرفته از کتاب «اهل البیت فی الکتاب والسنه» محمدی ری‌شهری است.

50 – پیامبر اکرم(ص): «حبّنا اهل البیت یکفّر الذنوب و یُضاعف الحسنات» (ارشاد القلوب، ص253).
51 – امام صادق(ع): «لا یحبّنا عبدٌ حتّی یطهّر اللّهُ قلبَه» (دعائم الاسلام، ج1، ص73).
52 – امام صادق(ع): «من احبّنا اهل البیت و حقّق حبّنا فی قلبه جَرَتْ ینابیع الحکمة علی لسانه» (المحاسن، ج1، ص134).
53 – پیامبر اکرم(ص): «حبّ اهل بیتی و ذرّیتی استکمالُ الدّین» (امالی صدوق، ص161).
54 – پیامبر اکرم(ص): «شفاعتی لأمتی مَن احبّ اهلَ بیتی و هم شیعتی» (تاریخ بغداد، ج2، ص146).
55 – پیامبر اکرم(ص): «اکثرکم نوراً یومَ القیامة اکثرکم حُبّاً لآل محمّد»، (بشارة المصطفی، ص100).
56 – پیامبر اکرم(ص): «من احبّنا اهل البیت حشره اللّه تعالی آمناً یومَ القیمة»، (عیون اخبار الرضا، ج2، ص220).
57 – پیامبر اکرم(ص): «اثْبَتُکم قَدَماً عَلی الصّراط اشدّکم حُبّاً لأهل بیتی»، (فضائل الشیعه، ص48).
58 – امام صادق(ع): «واللّه لایموتُ عبد یحبّ اللّه و رسولَه و یتولّی الأئمّة(ع) فَتمسّهُ النار»، (رجال نجاشی، ج1، ص138).
59 – پیامبر اکرم(ص): «مَن احبّنا اهل البیت فی اللّه حُشر معنا و اَدْخَلْناهُ مَعَنا الجَنّة»، (کفایة الأثر، ص296).
60 – پیامبر اکرم(ص): «اعلی درجات الجنّة لِمَنْ اَحَبّنا بِقلبه و نَصرنا بلسانه و یَده»، (المحاسن، ج1، ص251).
61 – پیامبر اکرم(ص): «مَن ارادَ اَنْ ینجو مِن عذابِ القبرِ فلیُحبّ اهلَ بیتی… و من ارادَ دخولَ الجنّة بغیر حسابٍ فلیحبّ اهل بیتی فواللّهِ ما اَحبّهم اَحدٌ الاّ رَبِحَ الدّنیا والآخرَة»، (مقتل الحسین خوارزمی، ج1، ص59).
62 – بحارالأنوار، ج27، ص78.
63 – بحارالأنوار، ج16، ص356.
64 – همان، ج 23، ص 250 (لا تستصغِرْ مودّتنا فانّها مِن الباقیات الصالحات).
65 – الغدیر، ج2، ص295.
66 – نامش سفیان بن مصعب است. وی از شاعران برجسته شیعه و مورد عنایت اهل‌بیت بود که عمده شعر او پیرامون مدح و مرثیه اهل بیت است. در زمان امام صادق(ع) می‌زیست. برای آشنایی با چهره او، از جمله ر.ک: ماهنامه کوثر، شماره 24 (اسفند 77) و «سفیان بن مصعب» از: سید هاشم محمّد.
67 – مستدرک وسائل الشیعه، ج2، ص625.
68 – درباره او ر.ک: ماهنامه کوثر، شماره 20 (آبان 77) و «ابوالأسود الدوئلی فی المیزان» از: محمد المنصور.
69 – بحار الأنوار، ج8، ص 52
منبع: صالحین خیبری (http://tsalehin.blog.ir/post/369)